





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

گروه زبان‌شناسی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و فرهنگ و زبان‌های باستان

رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

واژه نامه یادنامه هنینگ

استاد راهنما:

دکتر محسن ابوالقاسمی

استاد مشاور:

دکتر احسان چنگیزی

نگارنده:

زهرا سمیعانی

تیر ۹۱

فرم گرد آوری اطلاعات پایان نامه
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: واژه نامه یادنامه هنینگ		
نویسنده/محقق: زهرا سمیعانی		
مترجم: -----		
استاد راهنما: دکتر محسن ابوالقاسمی	استاد مشاور: دکتر احسان چنگیزی	
استاد داور: دکتر مجتبی منشی زاده		
کتابنامه: -----		
واژه نامه: دارد		
نوع پایان نامه:	بنیادی	توسعه ای
کاربردی		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد		سال تحصیلی: ۹۰-۹۱
محل تحصیل: تهران		نام دانشگاه: علامه طباطبایی
خارجی		دانشکده: ادبیات و زبان های
گروه آموزشی: زبان شناسی ، آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان و فرهنگ و زبان های باستان		
تعداد صفحات: ۲۲۶ صفحه		
کلیدواژه ها به زبان فارسی:		
هنینگ، یادنامه، زبانهای ایرانی، ایران شناسی		
کلید واژه ها به زبان انگلیسی:		
Henning, Memorial, Iranian Languages, Iranology		

چکیده

الف: موضوع و طرح مسأله (اهمیت موضوع و هدف):

یادنامه هیننگ، اثری است وزین که به قلم بنام ترین ایران شناسان و محققان نوشته شده است و در آن می توان انبوهی از اطلاعات در زمینه های گوناگون ایران شناسی را به دست آورد. این یادنامه گستره ای بزرگ از شاخه های مختلف ایران شناسی را در بر می گیرد. موضوعاتی مانند سانسکریت، ایرانی باستان، اوستایی و فارسی باستان، تا گویش ها و زبانهای ایرانی مانند تاتی و شغنی همه در این مجموعه قرار دارند و بیش از هر گفته ای، می توانند بازتابی از عمق دانشی و اطلاعاتی باشند که در لابلای این سطور گنجانده شده است. گرچه بیش از سی سال از نگارش این اثر بزرگ می گذرد اما همچنان می توان آن را یکی از منابع مرجع، به ویژه در زمینه زبان شناسی محسوب داشت. در این پایان نامه سعی شده است تا با تهیه فهرستی الفبایی از واژه های این یادنامه، استفاده از آن برای دانشجویان و محققان آسانتر گردد. این فهرست واژگانی همراه با ارجاعاتی همانند علائم اختصاری مقاله ها، نام زبانها و نیز شماره صفحه است.

ب. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری،

ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:

روش تحقیق بدین صورت است که ضمن مطالعه این یادنامه، اطلاعات ضروری و مورد نظر که عمدتاً همان واژه ها می باشند، گردآوری می شوند. برای همه مقاله ها نشانه های اختصاری حاوی نام مقاله و نویسنده آن نیز تهیه می شود و این اطلاعات اختصاری به واژه افزوده می شود. همچنین معنی واژه نیز همراه با واژه آورده می شود و سپس علائمی اختصاری در برابر واژه نوشته می شود که نشان می دهد واژه به چه زبانی تعلق دارد. در پایان نیز واژه ها بر حسب اینکه به چه زبانی تعلق دارند، مرتب می شوند و بر اساس تقدم تاریخی، یعنی زبانهای باستانی، میانه و نو نوشته می شوند.

پ. نتیجه گیری

یادنامه هنینگ بی گمان در زمره یکی از ارزشمندترین آثار علمی در زمینه ایران شناسی محسوب می گردد. به ندرت می توان اثری را یافت که در آن نام و مقالاتی از دانشمندان بنامی مانند بویس، مورگنشتیرنه، مایرهورفر و رودیگر اشمیت در کنار هم قرار گرفته باشد. این مقالات شامل موضوعات متنوعی در زمینه زبان شناسی و تاریخ ایران و گاه موضوعات مرتبط با آن می باشد. با این حال تحقیقات زبان شناسی و به ویژه واژه شناسی و آواشناسی بخش بزرگی از این یادنامه را به خود اختصاص داده اند به نحوی که یادنامه را به صورت یکی از منابع مهم و بلکه غیر قابل چشم پوشی در این زمینه ها در آورده اند.

پژوهش هایی درباره اوستایی، فارسی باستان و یا گویش های نو ایرانی مانند تاتی، از زمره مقالات ارائه شده در این یادنامه هستند که البته با توجه به ویژگی های خاص یادنامه ها، در نهایت فشرده گی و ایجاز ارائه شده اند. همین امر، تهیه فهرستی از واژگان به کار رفته در این یادنامه را ضروری می سازد چرا که به این طریق دستیابی به انبوه واژگان این اثر آسانتر می شود و به ویژه دانشجویان و محققان بهتر می توانند از آن در کارهای پژوهشی خود استفاده کنند.

بر اساس چنین هدفی، یعنی آسانتر ساختن استفاده از این یادنامه، در این پایان نامه کل واژه های مربوط به زبانهای ایرانی و البته سانسکریت، به صورت تفکیکی فهرست شده اند. این فهرست علاوه بر خود واژه دارای اطلاعات دیگری نیز است که استفاده از آن را بسیار ساده تر می کند. اطلاعاتی مانند اختصار نام مقاله و نویسنده آن، معنی واژه، شماره صفحه و اینکه واژه به چه زبانی تعلق دارد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم راگواهی مینمایم.

نام استاد راهنما:

رئیس کتابخانه:

سمت علمی:

نام دانشکده:

تقدیم به:

مادر، پدر و همسر عزیزم

چکیده

یادنامه هنینگ، اثری است وزین که به قلم بنام ترین ایران شناسان و محققان نوشته شده است و در آن می توان انبوهی از اطلاعات در زمینه های گوناگون ایران شناسی را به دست آورد. این یادنامه گستره ای بزرگ از شاخه های مختلف ایران شناسی را در بر می گیرد. موضوعاتی مانند سانسکریت، ایرانی باستان، اوستایی و فارسی باستان، تا گویش ها و زبانهای ایرانی مانند تاتی و شغنی همه در این مجموعه قرار دارند و بیش از هر گفته ای، می توانند بازتابی از عمق دانشی و اطلاعاتی باشند که در لابلای این سطور گنجانده شده است. گرچه بیش از سی سال از نگارش این اثر بزرگ می گذرد اما همچنان می توان آن را یکی از منابع مرجع، به ویژه در زمینه زبان شناسی محسوب داشت. در این پایان نامه سعی شده است تا با تهیه فهرستی الفبایی از واژه های این یادنامه، استفاده از آن برای دانشجویان و محققان آسانتر گردد. این فهرست واژگانی همراه با ارجاعاتی همانند علائم اختصاری مقاله ها، نام زبانها و نیز شماره صفحه است.

واژگان کلیدی: هنینگ، یادنامه، زبانهای ایرانی، ایران شناسی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان:
۱.....	فصل اول، مقدمه.....
۲.....	۱-۱- کلیات.....
۵.....	۱-۲- زندگی علمی هنینگ.....
۹.....	۱-۳- آثار هنینگ.....
۹.....	۱-۳-۱- کتاب.....
۹.....	۱-۳-۲- مقالات.....
۱۲.....	۱-۳-۳- نقد کتاب.....
۱۵.....	۱-۴- مقالات یادنامه.....
۱۶.....	۱-۵- اهمیت تحقیق.....
۱۶.....	۱-۶- هدف تحقیق.....
۱۷.....	۱-۷- پیشینه تحقیق.....
۱۷.....	۱-۸- روش تحقیق.....
۱۹.....	فصل دوم: واژه های زبانهای ایرانی باستان.....
۷۷.....	فصل سوم: واژه های زبانهای ایرانی میانه.....
۱۶۰.....	فصل چهارم: واژه های زبانهای ایرانی نو.....
۲۲۳.....	فصل پنجم: نتیجه گیری.....
۲۲۴.....	منابع.....

اختصارات نام مقالات:

(AHSR) *Āhu-ye Kuhi...* Le Chamios D'abu Hafs De Sogdiane et les Origines du Robāi par G. Lazard

(AP SMS) *Arabico - Persica* by S M Stern

(AS M.M.) *Das Altpersische Seit* von Manfred Mayrhofer

(CamdT) *La Construction Abru I Muhoyaš Daroz* En Tadjik par Zs Telegdi

(CTSP IG 161) *The Crushing of the Third Singular Present* by Ilya Gershevitch

(DD. Ak.) *Dadestan ī Dinik* by Peshotan K. Anklesaria

(DIrCSG GM) *The Development of Iranian R+consonant in the Shughni Group* by Georg Morgenstierne

(D D M.F.K) *Dādistān ī Dēnīg pūrsišn 14-15 A Critical Study* by M. F. Kanga

(EAPC MAM) *Evidence for the Affricate Pronunciation of the cluster TS in the Maitrānī samhitā* by M. A. Mehendale

(ESHTV WS) *Ear, Sharp and Hearing- A Tibetan Word Family* by Walter Simon

(ET K.M) *Etymologica* von Karl H. Menges

(FIPF R.N. F) *Funerary Inscriptions in Pahlavi from Fars* by R. N. Frye

(FMDP JM) *Fragments Manicheens De Paris* par Jean de Menasce

(H,A J. C. G) **Hamarakara> ' Amarkal* by Jonas C. Greenfield

(HPS MB) *Haoma, Priest of the Sacrifice* by Mary Boyce

(IIAAG W. P. Sc) *Indische-Iranische Appellativa und Alteuropaische Gewässernamen* von Wlofgang P. Schmid

(II N M. D) *Indo-Iranian Notes: 1- Avestan RAvō.Fraoθman-2- Avestan Uzgastō-3- Iranian Optative Formš* By M. J. Dresden

(INH O J. MH) *Iranian Names of Huns* by Otto J. Maenchen-Helfen

(IR OS) *Iranica III* by O Szemerényi

(LFB JAS) *The List of Fruits in the Bundahishn* by J. P. Asmussen

(MIHH HSN) *Middle Iranian has hasēnag* by H. S Nyberg

- (MIMS) *Miscellanea Iranica* by Martin Schwartz
- (MIMS) *The Prosodic Structure of an Old Turkish Poem* by T Gandjei
- (NISJB) *Nugae Indo-sericae* by John Brough
- (NFAC EG. P) *Notes on the fiP'AGS-PA Alphabet for Chinese* by E. G. Pullyblank
- (NMO VA) *The Names of the Months in Ossetic* by V. Abaev
- (OPW M.D) *The Origin Of the Old Persian writing System and the Ancient Oriental Epigraphic and Annalistic Traditions* By I M Diakonoff
- (OP. y j. DG) *Old Persian yāumaniš* by J. Duchesne-Guillemin
- (P.M. BR.) *A Persian Monument at the Athens, and its Connections with the Achaemenid Seals* by A. D. H. Bivar
- (P.P. M.N. DML) *Parable and Precept in the Marzubān-nīme* by David M. Lang
- (PP Y AI KH) *Die Praposition Par und Postposition –yow im Yaghnohi* von A L kharomov
- (PTVDM MJ) *The Pahlavi Text of Vicīrīhā I Dēn I Vēh I Mazdayasnān.* by Kaikhusroo M. Jamaspasa
- (QSV EB) *Que Signifie Vidēvdāt* par E. Benveniste
- (R IR HWB) *A Range of Irannica* by H. W. Bailey
- (SAP VA L.) *A Sogdian Alphabet from Panjikant* by V. A Livshitz
- (SFOIM W.L.) *The Social Function of the Old Iranian Mithra* by Wolfgang Lentz
- (SJ TB) *Sanakrit Jālāṣa* by T. Burrow
- (SMPV SS) *Specimens of Middle Persian Verse* by Shaul Shaked
- (SPLT AP.) *On Some Pahlavi Legal Terms* by Anahit Perikhanian
- (SsOh P. T) *Sanskrit sindhu-/ Sindhu- and Old Iranian hindu-/ Hindu* by P. Thime
- (S&W Khot. EM.) *Speak and Prosper in Khotanese* by R. E Emmerick
- (TDT E Y) *The Tati Dialects of Tarom* by E Yarshater
- (UCSD R.G) *Une Coupe Sassanida a Scene D'investiture* par R. Ghirshman

(W.SS CF D) *Who sift sea-shells by the sea shore?* By C. J. F. Dowsett

(ZAT K.H.) *Zur Avestischen Textkritik der Akk. Pl. der A-stamme* von Karl Hoffmann

(ZMC D N M.) *A Zoroastrian Master of Ceremonies* by D N. Mackenzie

اختصارات زبانها:

Av.: Avesta

Bal.: Baluchi

Bur: Burtangi

Gazi: Gazi

Iir.: Indo-Iranian

Iš: Ishkashmi

Khot.: Khotanese

Khwr.: Khwarazmian

Mj: Munji

MMP: Middle Manichaean Persian

O: Ormuri

OIr.: Old Iranian

Op.: Old Persian

Oss: Ossetic

Par: Parachi

Part.: Parthian

Pasht.: Pashto

Paz.: Pazend

Pers D: Persian Dialect

Pers.: Persian

Phlv.: Pahlavi

R: Roshani

S: Sarikoli

Sgl: Sanglechi

Shug: Shugni

Skr.: Sanskrit

Sog: Sogdian

Somy: Somghani

Tadj.: Tadjiki

Wj: Wanji

Wx: Wakhi

X:Khufi

Y: Yazgulami

Yd: Yidgha

Yg.: Yaghnobi

Zbk: Zebaki

علائم نگارشی:

برای نوشتن معنی فارسی	{ }
حاوی اختصار نام مقاله و نویسنده	()
نشانه واژه بازسازی شده	*
هزارش	HZ
نام خاص	حروف بزرگ انگلیسی
نامعلوم بودن واژه، معنی یا تلفظ آن	?
برای نوشتن صدای افزوده شده	

فصل اول

مقدمه

۱-۱- کلیات

والتر برونو هنینگ^۱ متولد ۲۶ ژولای ۱۹۰۸، مرگ ۸ ژانویه ۱۹۶۷ در رگنیت^۲ در پروس شرقی^۳ به دنیا آمد اما در پومرانی، در کرانه بالتیک بزرگ شد هنینگ در آغاز به قصد تحصیل در رشته ریاضی وارد دانشگاه گوتینگن^۴ گردید اما اندکی بعد رشته خود را تغییر داد و به تحصیل زبانهای ایرانی پرداخت، با وجود این تا پایان عمر همچنان به ریاضیات علاقه مند بود. او همراه با والتر هینتس^۵، کای بار^۶ و هانس جاکوب پولوتسکی^۷، در زمره آخرین شاگردان دانشمند برجسته، آندریاس^۸ بود. او در ۱۹۳۱ موفق به گرفتن دکتری خود شد و اندکی بعد کانون علمی پروس او را به عنوان ویراستار نوشته های مانوی منصوب کرد. هنینگ در سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۶ برخی کارهای ناتمام آندریاس را ادامه داد که نتیجه آن اثر سه جلدی متون مانوی چینی-ترکی بود و در همین دوره بود که برخی متون مشکل سغدی را نیز منتشر ساخت. در همین سالها بود که او با دختر پولوتسکی، همکلاسی پیشین خود نامزد کرد. در این زمان چند سالی بود که نازیها در آلمان به قدرت رسیده بودند و چون پولوتسکی یهودی و هنینگ غیر یهودی بود این اقدام می توانست در آینده برای هنینگ خطر ساز گردد از این رو او در ۱۹۳۶ دعوت برای جانشینی والتر بایلی^۹ در دانشگاه لندن را پذیرفت و بدانجا سفر کرد. او در لندن تحقیقات خود روی متون مانوی را با استفاده از عکس هایی که از آنها تهیه کرده بود ادامه داد. او در ۱۹۴۸ در دانشگاه لندن استاد تحقیقات آسیای مرکزی گردید، در ۱۹۵۴ به عضویت فرهنگستان انگلیس درآمد و در ۱۹۵۸ به ریاست گروه خاورمیانه دانشگاه لندن منصوب شد. هنینگ که به سبب بیماری از هوای مرطوب لندن در رنج بود در ۱۹۶۱ دعوت دانشگاه برکلی کالیفرنیا برای مقام استادی مطالعات ایرانی آن دانشگاه را پذیرفت و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند.

هنینگ تقریباً از نوجوانی به بعد همه عمر خود را صرف مطالعه زبان و فرهنگ ایران باستان و نیز دوره اسلامی ایران کرد و دامنه تحقیقات وی چنان گسترده شد که حتی به زبانهایی مانند چینی و ترکی نیز پرداخت ضمن آنکه با زبانهایی مانند سانسکریت و حتی گویش های ایرانی مانند بلوچی و کردی نیز آشنا بود.

برای درک بهتر جایگاه و شخصیت این دانشمند گرانمایه، بهتر است که نخست به آنچه شاگردان وی درباره او گفته اند گوش فرا دهیم:

1 - Walter Bruno Henning

2 - Ragnit

3 - East Prussia

4 -Göttingen

5 - Walter Heinz

6 -Kaj Barr

7 -Hans Jacob Polotsky

8 -Friedrich Karl Andreas

9 - Walter Bailey

با مرگ هنینگ بزرگترین ایران‌شناس معاصر و یکی از دانشمندان بزرگ جهان از میانه ناپدید شد. این قوی‌ترین ضربتی است که در این قرن به جهان ایران‌شناسی وارد گشته، و تأسف و اندوهی که از این دستبرد نابهنگام اجل در میان ایران‌شناسان مشهود است نظیر نداشته است. زیرا بخلاف برخی از ایران‌شناسان معاصر مانند مینورسکی و نفیسی که در سالخوردگی درگذشتند و آثار مهم خود را قبل از وفات بعالم علم عرضه داشتند، هنینگ در پنجاه و هشت سالگی بالنسبه جوان درگذشت و عده‌ای از آثار بسیار مهم او، چون فرهنگ اشتقاقی زبان فارسی و فرهنگ زبان خوارزمی و کتیبه‌های پهلوی و پارسی که سالها در فراهم ساختن آنها زحمت برده بود و دانش‌پژوهان با اشتیاق بسیار در انتظار انتشار آنها بودند، بدست طالبان نرسید و آنهمه فضل و دانش‌زاینده که آبستن کشفهای تازه بود ناگهان در خاک رفت. بطوریکه دکتر گرشویچ^۱ استاد دانشگاه کمبریج در رثای وی نوشت شاید نسلها طول بکشد تا عالم علم به آنچه هنینگ دریافته بود و کشفهایی که هنوز فرصت انتشار آنها را نیافته بود و در گنجینه‌ی ذهن خود داشت دسترس بیابد.

شادروان هنینگ، که نگارنده چهار سال و نیم افتخار شارگردی او را داشتم، مردی نحیف‌گونه و کوچک اندام و کم سخن بود و صدائی آرام و کوتاه داشت با اینهمه حضور او غالباً با هیبتی همراه بود، هیبتی که از اندیشه و احترام پدید می‌آمد. این از آن‌رو بود که هنینگ در طی سالها شهرتی چنان استوار به تیزیابی و اصابت نظر و تشخیص خطا یافته بود و ردّ و قبول او چنان در ردّ و قبول برخی نظریه‌ها مؤثر افتاده بود که غالباً کسی که نظر تازه‌ای در ذهن داشت و یا تعبیر تازه‌ای در تحقیقات ایرانی می‌آورد، بی‌اختیار نگران نظر او بود و از خلاف وی در اندیشه.

در سال ۱۹۵۴ که مجمع بین‌المللی خاورشناسان در کمبریج تشکیل شد، یکی از دانشمندان فاضل و پرمایه غربی که خدمات گرانبها در تتبع زبان پهلوی و آئین زردشتی انجام داده است، قرائت و تعبیر تازه‌ای برای یکی از لغات پهلوی پیشنهاد کرد. چون گفتارش تمام شد و نوبت گفتگو رسید، سرها بی‌اختیار بطرف هنینگ برگشت. هنینگ که در گوشه‌ای نشسته بود مدتی این سؤال ضمنی را بعلت رعایتی که لازم می‌شمرد ندیده گرفت.

سرانجام یکی از حاضران نظر را جويا شد و هنین بناچار باکراه برخاست و تأمل خود را باختصار گوشزد کرد. آن قرائت و آن تعبیر را دیگر کسی نشنید.

در همان کنگره بود که چند صفحه از نسخه‌ای شاهانه از قابوسنامه که تازه بغرب رسیده بود بعنوان کهن‌ترین نسخه‌ی این اثر و قدیمترین نمونه‌ی مینیاتور ایرانی بایران‌شناسان ارائه شد. معرّف قبلاً این صفحات را بنظر هنینگ رسانید هنینگ مدتی چشم بر صفحات نمونه دوخت. انسان غالباً گمان می‌کرد او هم همان را می‌بیند که دیگران. اما بعدها معلوم میشد که دیدگان تیزیابی او بسیار چیزها میدید که از نظر دیگران پنهان میماند. غالباً وقتی

تصویری، کتیبه‌ای، سکه‌ای یا نسخه‌ای باو ارائه میشد آنرا بدقت نگاه میکرد، بعد چشمان نافذ خود را در چشم صاحب داعیه میدوخت و آنگاه سؤال ساده‌ای از قبیل «خیال می‌کنی این قدیمی است؟ راستی؟» میکرد. آنها که او را می‌شناختند می‌دانستند که باید در جواب بسیار دقیق و محتاط باشد و الا بزودی تناقض گفتار خود را در خواهند یافت و شرمند خواهند شد. قدمت اوراق نمونه قابوسنامه را هنینگ تأیید نکرد و در داوری تأمل نشان داد. تأمل او بزودی بگوش ایران‌شناسان رسید که از آن پس هیچکس از آشنایان بزبان و ادبیات فارسی، با وجود ابرام برخی دیگر که بیشتر به تصاویر نسخه نظر داشتند، جرأت تأیید نسخه را به خود نداد، تا آنکه مقاله دانشمند محترم آقای مجتبی مینوی ابتدا در سال ۱۹۵۶ در اسلامبول و یکسال بعد در مجله یغما درباره این نسخه انتشار یافت. در این مقاله آقای مینوی چنین می‌نویسند: «با یکی از دوستان بزرگوار خود که در ردیف علمای درجه اول استشرق نام برده می‌شود در سال جاری در ایتالیا ملاقات کردم و از نسخه کاپوس نامه... بحث بمیان آمد و چون اصرار این دوست بزرگوار را به مجعول بودن این نسخه شنیدم گفتم: اگر علما فریب این جعلها را نخورند... چه زیان دارد؟ در این روزها نامه‌ای از آن دوست بنده رسیده است که در آن براهین متقن و دلائل دندان‌شکن دعوی خود را اثبات و بنده را اقناع کرده است که قابوس نامه ی فرای^۱ قبل از ۱۹۴۲ (۱۳۲۱ هجری شمسی) وجود نداشته، و عقیده بنده که اینگونه جعلها ضرری ندارد باطل بوده است... باین جهت است که بنده از برای جبران خطائی که سابقاً مرتکب شده‌ام که شفاها اصالت و صحت این نسخه را تأیید نمودم خویشتن را مجبور می‌بینم که مکتوب آن دوست بزرگوار را زمینه این مقاله قرار داده بمسؤولیت خود اعلام دارم که: آن نمونه‌هایی که نسخه کاپوس نامه فرای که منتشر شده است و ما دیده‌ایم مجعولست...» (یارشاطر ۱۳۴۶: ۵۵۴-۵۴۹، نقل به اختصار)

باری در میان ایران‌شناسان به ندرت می‌توان فردی را یافت که چنین گستره وسیعی از موضوعات را دامنه پژوهش‌های خود قرار داده باشد. هنینگ در اثری کوچک اما جامع به نام زردشت، پیامبر یا جادوگر به بررسی شخصیت این پیامبر باستانی ایران می‌پردازد، موضوعی که دست کم به سده‌های نخست هزاره اول پیش از میلاد باز می‌گردد و همانگونه که پیشتر گفته شد در جایی دیگر درباره نسخه‌های اثری اظهار نظر می‌کند که به سده پنج هجری مربوط بوده اند. همو در مقاله ای کوچک اما جامع و پر بار به بررسی زبان پیشین آذربایجان می‌پردازد و انبوهی از اطلاعات را با چنان مهارتی در حجمی اندک فراهم می‌آورد که مایه حیرت خوانندگان می‌شود. در میان دانشمندان امروزی می‌توان بسیاری را یافت که در اوستایی یا پهلوی اطلاعاتی بیشتر از هنینگ دارند اما نمی‌توان فردی را یافت که یکه تاز چنین عرصه گسترده و ناهمواری باشد یا حتی به آن بیندیشد.

^۱ -Richard Nelson Frye

۲-۱- زندگی علمی هنینگ

درباره زندگی پربار علمی هنینگ بهتر است قلم را به دست شاگرد توانای وی، مری بویس بدهیم: هنینگ جوان‌ترین دانشجوی آخرین گروه از دانشجویان آندره‌اس بود (هـ.ج. پلتسکی، ک. باروولنتز از دیگر اعضای این گروه بودند). او برای این استاد درخور ستایش خود علاقه و احترامی خاص داشت. تحت سرپرستی او بررسی فعل فارسی میانه را براساس متون تورفان که هنوز بخش اعظم آن منتشر نشده بود، به عنوان رساله دکتري برگزید. برای این رساله که پس از فوت آندره‌اس ارائه شد، او در سال ۱۹۳۱ با درجه ممتاز به دریافت دکترا نایل آمد. سال پیش را در مقام دستیار مجمع مطالعات اسلامی در لیدن سپری کرده بود و در سال ۱۹۳۲ نیز از طرف آکادمی علوم پروس به عنوان دبیر دست‌نوشته‌های پراکنده مانوی در مجموعه آن‌ها از متون تورفان منصوب شد. در خلال چهار سال بعد، از «میراث مکتوب» آندره‌اس، سه مجموعه مهم از دست‌نوشته‌های باقی مانده از فارسی میانه و پارتی را منتشر کرد. دانش گسترده، دقت و کیفیت عالی ترجمه از ویژگی‌های این مجموعه بود. علاوه بر این وی برای نخستین بار و به صورتی مستقل به چاپ اساسی مجموعه‌ای از متون دشوار سعدي توفيق يافت و چند مقاله نیز منتشر کرد. دو نمونه از این مقالات گامی اساسی در شناسایی مانوی‌گری ایرانی محسوب می‌شدند و در مقاله‌ای دیگر در مورد پاره‌ای از جوانب تاریخی مانوی‌گری بررسی فشرده، ولی نکته سنجانه‌ای ارائه شده بود. در همان شماره نشریه پیش گفته از سخنرانی راهگشای او در مورد زبان خوارزمی که با همکاری زکی ولیدی طوغان تهیه شده و توسط او در هشتمین مجمع شرق‌شناسی آلمان ارائه گردیده بود، چکیده‌ای منتشر شد.

و از آن پس سه سال کار پرحاصل در لندن آغاز شد که در خلال آن هنینگ با در دست داشتن مجموعه تصاویر نسبتاً کاملی از متون تورفان، و با کسب اجازه از آکادمی پروس توانست مطالعات تخصصی خود را در این زمینه دنبال کند. در سال ۱۹۳۹ به سمت دانشیار منصوب شد ولی هنگامی که در همان سال جنگ جهانی دوم آغاز شد هنوز تابعیت بریتانیایی نگرفته بود. در سال ۱۹۴۰ و در ایامی که بریتانیا در معرض خطر هجوم آلمان قرار داشت، براساس فرمانی که برای بازداشت تمامی اتباع دشمن صادر شده بود در جزیره من [اسکاتلند] تحت نظر قرار گرفت. در همین ایام بازداشت بود که کتاب سعديکای او منتشر شد که کاری اساسی در پیشبرد دانش موجود از فرهنگ واژه‌های ایرانی میانه بود. او پس از یک سال آزاد شد و در حالی که از سلامت کامل هم برخوردار نبود باقی ایام جنگ را در کمبریج به تحقیق و تدریس سپری کرد؛ آن‌چه اینک مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی [لندن] خوانده می‌شود در آن ایام به کمبریج منتقل شده بود.

تنها اندک زمانی پس از ترک مخاصمه بود که مدرسه [مطالعات شرقی] به صورت کامل، از نو در لندن مستقر گردید. و آن دوره‌ای آرام از زندگی هنینگ بود؛ تنش حاصل از مناقشه جاری میان موطن اصلی و اختیاری وی برطرف شده بود و در سکوت و آرامش کمبریج و در مصاحبت پژوهشگران همدلی چون ولادیمیر مینورسکی، هکتور چادویک، سید حسن تقی‌زاده (سفیر وقت ایران در انگلستان)، هارولد بیلی و جی. هالون. تعطیلات تابستانی با همسر و دختر خردسالش در کرانه انگلیای شرقی یادآور خاطرات خوش کرانه‌های پومناریا و بالتیک بود.

در سال ۱۹۴۶ هنینگ در مقام استاد مدعو [مطالعات] هند و ایرانی به دانشگاه کلمبیای نیویورک رفت. سال بعد به عنوان استادیار مطالعات آسیای میانه در دانشگاه لندن معین شد و در ۱۹۴۷ نیز در همان زمینه به رتبه استادی رسید. در ۱۰۴۹ خطابه‌های راتانبای کاتراک را در اکسفورد ارائه کرد که براساس تقاضایی که از او شده بود به بررسی انتقادی آثار هرتزفلد و نیبرگ در مورد زرتشت اختصاص داشت. یک بررسی صریح و واضح، که در آن طنزی اساسی نیز مددکار نگاه نقادانه او بود و حاصل کار، برداشت‌های سازنده و درعین حال محافظه کارانه-وی از موضوع. اگرچه هنینگ در کارهای خود معمولاً نوآور بود ولی هیچ‌گاه صرفاً در جست‌وجوی نوآوری نبود و نوعی حس تاریخی که در وجود داشت و پیرویش از عقل سلیم، مطالعات ایرانی را از وزنه‌ای تعادل‌بخش برخوردار می‌کرد که با توجه به استعداد آن در طرح انواع نظریه‌های پا در هوا، نیازی مبرم بدان داشت. البته این سلسله سخنرانی‌ها از نوعی محدودیت در همدلی، یا به عبارت دیگر فقدان یک درک خلاق از پاره‌ای از صور درهم پیچیده حیات دینی نیز حکایت داشت. هنینگ برای زرتشتی‌گری احترام زیادی قائل بود و بر این باور بود که آموزه‌های اساسی آن در میان [آموزه‌های اساسی] ادیان بزرگ، از لحاظ فکری از همه قابل دفاع‌تر است. از این رو آمادگی کامل داشت که در برابر آن چه از نظر او اتهامات ناسزا می‌نمود از آن دفاع کند؛ ولی اگر نسبت به جوانب کلی‌تر تاریخ دین توجه بیشتری نشان داده بود شاید در داوری‌اش نسبت به تعبیر نیبرگ، ملایمت بیشتری به کار می‌برد (او برای سهم کلی نیبرگ در پیشبرد مطالعات ایرانی احترام قابل توجهی قائل بود و در وجود دانشجویانش نیز احترام خاصی برای این پژوهشگر بزرگ القاء می‌کرد).

او در سال ۱۹۵۰ به دعوت دولت ایران برای مطالعه سنگ نبشته‌های جنوب ایران بدان جا سفر کرد. در این جا بود که با توفیق در تهیه قالب‌هایی از این سنگ‌نبشته‌ها و به ویژه کتیبه بزرگ و تقریباً دور از دسترس سرمشهد که در شرایطی شاق و طاقت‌فرسا میسر شد هم از شجاعت و سرسختی جسمی خود مظنه‌ای به دست داد و هم از تبحرش در امور فنی. با کسانی که کار می‌کرد، طبق معمول روابطی فوق العاده خوب برقرار ساخته بود و آن‌ها نیز با احترامی که برایش قائل بودند، شخصیت و ذهنیت ممتازش را